

مراتب و انگیزه‌های ارزش اخلاقی*

آیت‌الله علامه محمدتقی مصباح یزدی رحمته‌الله

چکیده

در اسلام شرط قبولی اعمال و رسیدن به حد نصاب ارزش، ایمان به خدا و جهان آخرت است. اما این سخن بدان معنا نیست که در اسلام سایر اعمالی که حسن فعلی دارند، بی‌ارزش‌اند؛ زیرا ممکن است برخی اعمال ارزش‌هایی زیر حد نصاب داشته باشند و در عین حال انسان را برای ترقی معنوی آماده کنند. در مقابل، اگر رفتاری دارای حسن فعلی باشد، اما ناشی از کفر و عناد باشد، حتماً ارزش منفی دارد و نه تنها در عالم آخرت که محل ظهور ارزش‌ها، پاداش‌ها و فضیلت‌هاست، هیچ نتیجه مثبتی برای فاعل آن نخواهد داشت، بلکه مستحق عذاب نیز خواهد شد. برای مثال، اگر فرد مؤمنی گناهان کوچکی مرتکب شده باشد، هر چند ایمانش محفوظ است، اما به همان اندازه از کمال نهایی دور خواهد شد؛ زیرا این گناهان کم‌کم او را از فضای معنوی و الهی دور کرده، به وادی دیگری سوق می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: اخلاق، ارزش اخلاقی، انگیزه، تقویت ایمان.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مراتب متفاوت انگیزه و ارزش

اعمالی که به حد نصاب ارزش رسیده‌اند و از نظر خداوند ارزش اصیل محسوب می‌شوند، مراتبی بسیار متفاوت دارند؛ گرچه ممکن است انسان بتواند این مراتب را به درستی تشخیص دهد و در نتیجه آنها را شبیه هم بداند. در آیات و روایات اشاراتی دربارهٔ این تفاوت درجات و فاصلهٔ میان برخی درجات از یکدیگر وجود دارد. البته در برخی موارد، خود انسان نیز با کمی دقت در حالات خود، می‌تواند این تفاوت را احساس کند. مثلاً دربارهٔ حالات بعضی بزرگان آمده است که با شنیدن نام مبارک سیدالشهدا^{علیه السلام} و به شوق زیارت کربلا، دیدگانشان از اشک پر می‌شد، یا اینکه با یاد جهنم لرزه بر اندامشان می‌افتاد. علت این است که حالات انسان در مقابل این مسائل متفاوت است؛ زیرا مراتب خوف تفاوت می‌کند.

قرآن کریم و روایات معصومان^{علیهم السلام} انگیزه‌های اعمال را دست‌کم به سه بخش تقسیم می‌کنند: ۱. خوفاً من النار؛ ۲. طمعاً فی الجنة؛ ۳. ابتغاء مرضات الله (حشر: ۲۰؛ توبه: ۷۲)؛ که هر یک از دسته‌های اول و دوم، بسته به میزان انگیزه‌ای که برای انجام کار ایجاد می‌کنند، درجات متفاوتی دارند، و کسب رضای الهی نیز با میزان معرفت انسان به خدا و محبت او به خدا ارتباط مستقیم دارد.

خداوند هر کسی را که در مسیر هدایت و تربیت قرار گیرد، به اندازهٔ همت و کوشش او در این راه، و تا رسیدن به عالی‌ترین مراتب فضیلت، کمک و تشویق می‌کند: «مَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا» (نساء: ۶۹)؛ کسانی که از خدا و پیغمبر اطاعت می‌کنند، رفیق انبیا، صدیقین، شهدا و صالحان می‌شوند، و اینها چه خوب رفیقانی هستند. این آیات حتی به انسان‌های عادی مؤدّه دستیابی به مقام انبیا یا دست‌کم مهمانی آنها را می‌دهد. اما خداوند مانند هر مربی دیگری، برای تربیت مردم، آنها را تشویق می‌کند تا با همت بلند و آمادگی کامل، برای دستیابی به مقامات عالی‌تر بکوشند و در مسیر حرکت به سوی کمال، خستگی و سختی‌های راه را تحمل کنند.

یک مربی حکیم برای تربیت فرزندان خویش در جهت کسب علم، ایمان و اخلاق نیک، ابتدا آنان را با چیزهایی که می‌پسندند و مقتضای سن آنهاست، تشویق می‌کند؛ زیرا کودک را باید با همان بیان و ابزاری تشویق کرد که برایش انگیزش ایجاد می‌کند. به تدریج

که عقل و درک او بیشتر شد، اسباب تشویق نیز متناسب با آن، رشد خواهد کرد؛ مثلاً هنگامی که ارزش احترام به بزرگ‌ترها را درک کرد، برای او از میزان ارزش عزیز بودن نزد خدا سخن گفت، و اگر جز این باشد، تأثیری نخواهد داشت.

خداوند متعال نیز از همین روش برای تشویق مردم به کارهای خوب و رسیدن به فضایل عالی استفاده کرده است، و ابتدا به بهشت و نعمت‌های آن وعده می‌دهد، سپس می‌فرماید: «وَرِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ أَكْبَرُ» (توبه: ۷۲)؛ خشنودی خداوند از بهشت و نعمت‌های آن بالاتر است. چنین روش تربیتی حکیمانه‌ای است که مؤثر خواهد بود و غیر آن، تأثیری نمی‌بخشد.

برخی با این سوءتفاهم که ویژگی‌ها و نعمت‌هایی که قرآن دربارهٔ بهشت و جهان آخرت بیان کرده، صرفاً برای تشویق مردم به انجام کارهای خیر است، آنها را واقعی نمی‌دانند و از دید آنها، واقعیت جهان آخرت همان نورانی است که در مقام قرب الهی برای انسان پیدا می‌شود.

این پندار، اشتباهی بسیار بزرگ است؛ زیرا گرچه این امور وعده‌های خداوند برای تربیت ابتدایی انسان‌ها تا در مسیر رشد و تکامل قرار گیرند و به معارف بالاتر دست یابند، خود نیز واقعیت دارند. این نهایت لطف الهی است که برای سیر انسان مراتبی قرار داده است که همه واقعیت دارند. البته استفاده کردن و لذت بردن از هر یک از این مراتب، برای اشخاص متفاوت است. به طور مثال، لذت خوردن یک لقمه غذا از دست انسان بزرگ و وارسته‌ای مانند مقام معظم رهبری فقط به این عنوان که از دست مبارک ایشان است، با خوردن همان غذا از دست ایشان برای رفع گرسنگی، بسیار متفاوت است. غذا همان غذاست، اما لذت‌ها با هم قابل مقایسه نیست. از آن بالاتر، لذت خوردن تکه‌نان خشکی است از دست ایشان افتاده که لذیذتر از تمام غذاهای لذیذی است که تاکنون خورده‌ایم.

بنابراین تمام وعده‌ها و وعیدهای مادی که در قرآن آمده است، جزء به جزء حقیقت دارد. اما انسان تشنه فقط آب می‌نوشد و از سیراب شدن لذت می‌برد؛ اما کسی که لطف و عنایت الهی را به خویش می‌بیند، به شکرانهٔ جایگاهی که در بهشت برین به وی عطا شده است، از خوردن آب لذتی فراتر از شخص تشنه می‌برد.

قرآن وقتی شربت گوارای خوش طعم و خوش بویی را معرفی

می‌کند، می‌گوید چاشنی زنجبیل دارد: «وَيُسْقَوْنَ فِيهَا كَأْسًا كَانَتْ مِزَاجُهَا زَنْجَبِيلًا» (انسان: ۱۷)؛ در بهشت از شربتی خواهند نوشید که طعم زنجبیل دارد. اما از همین شربت، اشخاص گوناگون لذت‌های متفاوت می‌برند: برخی برای رفع تشنگی می‌نوشند و از آن لذت می‌برند؛ عده‌ای هم آن را شربتی می‌بینند که در دار کرامت خدا به دست بندگان شایسته خدا با احترام به آنها نوشانده می‌شود. این لذت با آن لذت بسیار تفاوت دارد.

در مورد جهنم نیز واقعیت عذاب را با تبدیل شدن پوست سوخته‌شده به پوست جدید و استمرار عذاب، چنین بیان می‌کند: «كُلَّمَا نَضِجَتْ جُلُودُهُمْ بَدَّلْنَاهُمْ جُلُودًا غَيْرَهَا لِيَذُوقُوا الْعَذَابَ» (توبه: ۷۲)؛ هر وقت پوست بدن آنها سوخت و خاکستر شد، مجدداً به پوست جدید تبدیل می‌شود، تا دوباره طعم عذاب را بچشند؛ و این عذاب، پیوسته ادامه می‌یابد.

در محیط عربستان زندگی می‌کردند. از آن لذت می‌بردند.

اینها لذت‌های مادی واقعی است که خداوند در قرآن از آنها یاد کرده؛ اما مهم‌تر از آنها، نعمت‌های روحی و معنوی و لذت‌هایی است که قابل اندازه‌گیری با محسوسات نیستند. بهترین راه برای بهره‌گیری از چنین نعمت‌هایی، کسب معرفت و محبت به اولیای الهی است. خداوند برای اینکه مردم را به اصل دین دعوت کند و در انجام واجبات اولیه دین به آنها انگیزه دهد، از این عوامل تربیتی غفلت نکرده است.

راهکارهای قرآن برای تقویت ایمان انسان‌ها

بسیاری از انسان‌ها به خدا ایمان دارند و او را ناظر بر اعمال خود می‌دانند. اما با وجود این، مراقب اعمال و کردار خود نیستند و این ایمان، در زندگی آنها ظهور و بروز نکرده است. این وضعیت از ضعف ایمان آنها نشئت گرفته است. ضعف ایمان موجب غفلت انسان و در نتیجه عدم توجه به حضور خدا خواهد شد؛ و این عدم توجه موجب خواهد شد که سیاهی هوس‌های شیطانی در او نفوذ کند و او را از اطاعت و انجام فرمان‌های الهی بازدارد. به همین جهت، برای عده‌ای انجام دادن و تکرار کردن بسیاری از گناهان آسان است؛ درحالی‌که کسانی هم بودند که حتی از ارتکاب یک گناه در طول عمرشان واهمه داشتند.

خداوند در قرآن ماجرای حضرت داوود^ع با دو برادر را نقل

می‌کند، می‌گوید چاشنی زنجبیل دارد: «وَيُسْقَوْنَ فِيهَا كَأْسًا كَانَتْ مِزَاجُهَا زَنْجَبِيلًا» (انسان: ۱۷)؛ در بهشت از شربتی خواهند نوشید که طعم زنجبیل دارد. اما از همین شربت، اشخاص گوناگون لذت‌های متفاوت می‌برند: برخی برای رفع تشنگی می‌نوشند و از آن لذت می‌برند؛ عده‌ای هم آن را شربتی می‌بینند که در دار کرامت خدا به دست بندگان شایسته خدا با احترام به آنها نوشانده می‌شود. این لذت با آن لذت بسیار تفاوت دارد.

در مورد جهنم نیز واقعیت عذاب را با تبدیل شدن پوست سوخته‌شده به پوست جدید و استمرار عذاب، چنین بیان می‌کند: «كُلَّمَا نَضِجَتْ جُلُودُهُمْ بَدَّلْنَاهُمْ جُلُودًا غَيْرَهَا لِيَذُوقُوا الْعَذَابَ» (توبه: ۷۲)؛ هر وقت پوست بدن آنها سوخت و خاکستر شد، مجدداً به پوست جدید تبدیل می‌شود، تا دوباره طعم عذاب را بچشند؛ و این عذاب، پیوسته ادامه می‌یابد.

لذت‌های مادی و معنوی

کسانی که معرفت بالایی دارند، لذت‌های دیگری غیر از مزه و طعم نعمت‌های مادی را می‌چشند. نقل است که از آیت‌الله قاضی^ع پرسیدند: در بهشت انواع خوراکی‌ها، پوشاک، همسر زیبا، مناظر زیبا، گل‌های زیبا و... وجود دارد؛ ولی آیا نماز هم هست؟ ایشان پاسخ داده بود: من بهشتی را که نماز نداشته باشد، دوست ندارم. شاید معنای این سخن این باشد که لذت‌نمایی که من می‌خوانم، از همه آن نعمت‌های بهشتی بیشتر است. امثال ایشان، نه پیغمبر بودند، نه امام معصوم؛ بلکه انسان‌های عادی بودند که در مکتب آن بزرگواران درس خواندند و از دستورهایشان اطاعت کردند و به این مقام رسیدند.

بنابراین قرآن در مقام تربیت، مراتب اشخاص را مدنظر قرار می‌دهد. البته آیات الهی به گونه‌ای تنظیم شده‌اند که همه انسان‌ها در هر درجه و مقامی بتوانند از آنها استفاده کنند. خداوند متعال در سوره «جن» می‌فرماید: «وَأَنْ لَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا» (جن: ۱۶)؛ [فرستادگانی از جن گفتند: شنیده‌ایم که بعد از تورات موسی^ع کتابی نازل شده و در آن آمده است که] اگر بر راه صحیح استقامت کنند و با برجا بمانند، آب گوارایی به آنها خواهیم نوشاند. نوشیدن آب بهشتی به عنوان یک وعده الهی، اولین پاداش برای کسانی است که خدا و پیامبرش را اطاعت کردند و کار نیک انجام دادند. البته لذت چشیدن آب گوارای بهشتی زمانی مشخص

می‌کند. یکی از آنها به حضرت داوود^ع که مقام قضاوت داشت، عرض کرد: «إِنَّ هَذَا أَخِي لَهُ تِسْعٌ وَتِسْعُونَ نَعْجَةً وَلِي نَعْجَةٌ وَاحِدَةٌ فَقَالَ أَكْفُلْنِيهَا وَعَزَّنِي فِي الْخِطَابِ» (ص: ۲۳)؛ برادرم ۹۹ گوسفند دارد و من فقط یک گوسفند دارم؛ اما برادرم به من گفته است که آن را هم به من واگذار کن. «فَقَالَ لَقَدْ ظَلَمَكَ بِسُؤَالٍ نَعَجْتِكَ إِيَّاهُ» [حضرت داوود^ع] فرمود: [این سخن بیجایی است.] او با این درخواست، به تو ظلم کرده است. سپس فرمود: «وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ الْخُلَطَاءِ لَيَبْتَغِي بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ»؛ بسیار رخ می‌دهد که افراد در معاشرت با یکدیگر، به هم از این دست ظلم‌ها می‌کنند. مواظب باشید به هم ظلم نکنید. حضرت داوود^ع پس از رفتن آن دو برادر متوجه شد که بدون تحقیق در خصوص ادعای برادر اول و درخواست شاهد از سوی او بر این ادعا، به نفع او و علیه برادر دوم سخن گفته و او را ظالم خطاب کرده است. از این رو جناب داوود^ع سال‌ها به سبب این قضاوت عجولانه، در پیشگاه الهی ناراحت و گریان بود (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۸۱، ج ۱۹، ص ۲۴۹؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۶، ص ۱۶۵).

طبیعی است که همه انسان‌ها ایمانی مانند ایمان سلمان و امثال او ندارند. اما شیوه‌های تربیتی قرآن به گونه‌ای است که هر انسانی را با هر ظرفیت و توانایی، در مسیر رشد و هدایت قرار می‌دهد و بر ایمان او می‌افزاید.

برای گروهی از مردم وعده‌های دنیوی بیش از وعده‌های آخرتی مؤثر است، و بیماری‌ها و سختی‌های دنیوی برای آنها سوزناک‌تر از سوختن در عذاب جهنم است. چه بسا برخی دردهای جسمانی در انسان، او را به کفر نزدیک می‌کند. بنابراین خداوند که به احوال بندگانش آگاه است، برای اینکه آنها از هدایت محروم نمانند و به تدریج ایمانشان تقویت شود، به آنها آباد شدن زندگی دنیایی را وعده می‌دهد. مثلاً نجات از خشک‌سالی و نزول باران و سرسبزی و پرباری درختان را وعده می‌دهد: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ...» (اعراف: ۹۶) تا باور کنند که ایمان و عمل آنها باعث افزایش و وسعت روزی در همین دنیا خواهد شد. بر این اساس، عمل به دستورهای دین، در زندگی انسان اثر طبیعی دارد و حتی اگر کسانی به خاطر افزایش روزی خود به دستورهای دین عمل کنند، روحشان اندکی تصفیه می‌شود و دین و وعده‌های آخرت را نیز جدی‌تر می‌گیرند. به همین سبب، برای

تشویق مردم می‌فرماید: اگر به دستورهای خدا عمل کنید، در همین دنیا نیز رزق شما افزایش می‌یابد. نیز در جایی دیگر وعدهٔ آب غدق می‌دهد: «وَأَنْ لَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقِينَهُمْ مَاءً غَدَقًا» (جن: ۱۶)؛ [ای پیامبر، بگو: به من وحی شده است که] اگر جن و انس در آن راه (تسلیم خدا بودن) پایداری کنند، ما آبی فراوان که بنوشند (رزق فراوان)، در اختیارشان می‌گذاریم. این وعده الهی، انگیزه خواهد شد تا آنها از خدا اطاعت کنند. اثر طبیعی اطاعت از خدا، نزدیکی به اوست. کسی که طعم قربه الی الله را چشید، دیگر به نعمت‌های دنیوی و مادی اهمیت نمی‌دهد، و این همان تربیت الهی است.

خداوند برای دعوت به جهاد نیز از همین روش استفاده کرده است. بعد از گذشت سیزده سال از بعثت پیامبر اسلام^ص و تحمل سختی‌های فراوان و با افزایش تعداد مسلمانان، خداوند اجازهٔ جهاد صادر فرمود: «أَذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِنَاهِمُ ظُلْمًا وَإِنِ اللَّهُ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ» (حج: ۳۹). سپس برای اینکه انگیزه آنها برای جهاد و مبارزه بیشتر شود، به آنها وعدهٔ پیروزی و دستیابی به غنایم فراوان می‌دهد: «وَعَدَكُمُ اللَّهُ مَغَائِمَ كَثِيرَةً تَأْخُذُونَهَا» (فتح: ۲۰)؛ خدا به شما وعده می‌دهد که غنیمت‌های زیادی از این جنگ می‌برید. «وَأُخْرَىٰ تُجِبُونَهَا نَصْرٌ مِّنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ» (صف: ۱۳)؛ و چیز دیگری که آن را هم دوست دارید، نصرت و یاری خداوند در [جنگ و] پیروزی قریب‌الوقوع سپاه اسلام است. نکتهٔ تربیتی این وعده آن است که به محض تحقق وعدهٔ الهی، محبت او در دل‌ها افزون، و در نتیجه ایمان به خدا و اطاعت از او بیشتر خواهد شد.

منابع.....

قرطبی، محمدبن احمد، ۱۳۶۴، *الجامع الاحکام القرآن*، تهران، ناصر خسرو.
مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۸۱، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.